

# بین‌المللی شدن حقوق کیفری در زمینه فساد

امیر مقامی\*

## ۱- درآمدی بر بین‌المللی شدن حقوق

حقوق بین‌الملل و بارزایت و استقبال کشورهای دیگر است. در این زمینه می‌توان به کنوانسیون ضد ارتشایی اشاره کرد که رشوه گرفتن مأموران دولتی در معاملات تجاری بین‌المللی را جرم دانست و در سازمان همکاری اقتصادی و توسعه<sup>۳</sup> از ۱۹۹۹ لازم‌الاجرا شد.<sup>۴</sup> روش معمول دیگر، استفاده از معاهدات بین‌المللی مصوب کنفرانس دولتهاست که متناوباً استفاده شده و بهترین و کارآمدترین روش برای جهانی شدن حقوق محسوب می‌شود؛ چرا که در این روش دولتها بارزایت و ابتکار خود قواعد مشترکی را می‌پذیرند که ممکن است با نظام کنونی آنها مغایرت نیز داشته باشد و «تحمیل» که صورتی ناخوشایند دارد و مغایر اصل سنتی «حاکمیت ملی» است نیز اتفاق نمی‌افتد. وانگهی اگر بنا بر تحمیل یک نظام حقوقی باشد، قاعدتاً هر کشوری نظام خود را کاملتر و برتر شمرده و قواعد بیگانه را نمی‌پذیرد و غرور و تعصب ملی و مسائل سیاسی مانع پذیرش قواعد حقوقی تحمیلی است.

پس از بررسی مختصر روشهای جهانی شدن حقوق، باید به این پرسش پاسخ داد که حقوق در چه زمینه‌هایی می‌تواند جهانی شود؟ و آیا حقوق کیفری واجد چنان خصوصیتی هست یا نه؟ یقیناً نسبت گریبان و طرفداران تکثر فرهنگی و هواخواهان سنتی حاکمیت ملی، به سختی می‌پذیرند قواعدی حقوقی میان جامعه جهانی به صورت مشترک بنیان گذاشته شود

اگر بین‌المللی شدن به معنای «توافق بین‌المللی» بر امری خاص باشد؛ حقوق، چگونه و در چه زمینه‌هایی می‌تواند بین‌المللی شود؟ در گذشته «استعمار» می‌توانست یکی از راهکارهای فراملی کردن حقوق داخلی و تحمیل آن بر سایر کشورها باشد. اعمال قوانین اروپایی برای حمایت از اتباع آنها در کشورهای مستعمره، یا حتاً استعمار نو<sup>۱</sup> یکی از این روشها بوده و هست. روش دیگر می‌توانست مهاجرت گروه عظیم انسانی به سرزمین دیگر باشد که نظام حقوقی سرزمین مادر را به سرزمین جدید منتقل می‌کردند؛ مانند مهاجرت انگلوساکسونها به امریکا در ابتدای کشف این قاره.<sup>۲</sup> تسلط و برتری اقتصادی نیز یکی از عواملی است که می‌تواند به صدور قوانین یک کشور و فراملی کردن آن بینجامد؛ چنانچه معمولاً در این مورد از قوانین امریکایی هلمز برتون و داماتو کندی (۱۹۹۶) نام برده می‌شود که در پی ایجاد اثری فراسرزمینی برای قوانین داخلی امریکا است. ارائه قوانین پیشنهادی توسط مجامع بین‌المللی بعنوان «قانون الگو» نیز در این زمینه بسیار مؤثر بوده است؛ بویژه آنکه جنبه «تحمیلی» ندارد مانند روش «قانون نمونه» که کمیسیون سازمان ملل متحد برای حقوق تجارت بین‌الملل پیگیری می‌کند. روش دیگر، ارائه یک خواست و اراده ملی و داخلی با استفاده از

\* دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه پیام نور

اروپایی، حقوق کیفری اروپایی نیز پایه‌ریزی شد که در نگاه نخست، هدف از آن تضمین و حمایت از حقوق بشر بود. چنانکه کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (۱۹۵۰) با پروتکل‌های بعدی تکمیل و «دادگاه اروپایی حقوق بشر» با تصویب پروتکل شماره ۱۱ آن (۱۹۹۴) تقویت شد، شکایتهای فردی به موجب ماده ۳۴ اصلاحی در دادگاه مطرح گردید و این دیوان در رأی ۵می ۱۹۹۶ با تأیید برتری قواعد کیفری بین‌المللی اعلام کرد: «به عهده قاضی کیفری است که به هنگام برخورد با مقررات حقوق داخلی که با حقوق جامعه (اروپا) مغایرت دارد، اعمال نص حقوق داخلی را مردود بداند.» در چندین ماده کنوانسیون، حقوق کیفری مستقیماً مورد توجه قرار گرفته است؛ مانند ماده ۲ درباره مجازات اعدام، ماده ۳ درباره شکنجه و مجازاتهای غیرانسانی و ترذیلی، ماده ۴-۳ الف درباره کار اجباری افراد بازداشت شده یا در آزادی مشروط، ماده ۵ درباره بازداشت قانونی، ماده ۶ درباره دادرسی عادلانه، ماده ۷ درباره منع مجازات بدون وجود قانون و عطف بماسبق نشدن قانون کیفری شدیدتر، ماده ۱۰ درباره آزادی بیان و... در واقع حقوق کیفری نخستین آماجگاه معاهده اروپایی حقوق بشر است.<sup>۸</sup> شورای اروپا نیز گاهی توصیه‌نامه‌هایی داشته است که مستقیماً مرتبط با حقوق کیفری است؛ مانند توصیه‌نامه کمیته وزیران به کشورهای عضو درباره حمایت از شهود و همکاری کنندگان با عدالت (۲۰۰۵).<sup>۹</sup> همچنین می‌توان به کنوانسیون امریکایی حقوق بشر (۱۹۶۹) و منشور افریقایی حقوق بشر و ملت‌ها (۱۹۸۱)<sup>۱۰</sup> و معاهدات منطقه‌ای مربوط به زمینه‌های خاص حقوق بشر<sup>۱۱</sup> اشاره نمود که یقیناً همچون کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، در آینده نزدیک تأثیرات بیشتری بر حقوق داخلی کشورهای عضو خواهند داشت.

بنابراین در یک فرایند ویژه، خارج شدن حقوق کیفری (از تدوین قواعد جرم‌انگازانه تا مجازات مجرمان) از صلاحیت صرف دولتها پذیرفته شده است. اما مهمترین بخش این فرایند، معاهدات عام بین‌المللی است که با توجه به حقوق کیفری تنظیم شده و ضمن ایجاد یک حقوق بین‌الملل کیفری، قواعد این حقوق را به

و حداکثر ممکن است به «کشف» قواعد مشترک موجود در قبالی حقوق تطبیقی رضایت دهند. اما واقعیت این است که پیچیدگی و درهم‌تنیدگی مسائل بین‌المللی نیازمند درک متقابل جامعه جهانی از مسائل، گفتگو و یافتن راه‌حلهای مشترک و منصفانه برای حل آنها است و شاید به جرأت بتوان گفت هر مسأله جهانی، می‌تواند زمینه‌ساز بروز یک قاعده حقوقی جهانی باشد.

## ۲- بین‌المللی شدن حقوق کیفری

در نگاه اول، حقوق کیفری موضوعی مربوط به حاکمیت دولتها و محدوده مرزهای آنها و حتا گاهی نشانه بارز و دلیلی بر حاکمیت ملی شناخته می‌شود.<sup>۵</sup> اما تأمین حقوق و آزادهای فردی، تضمین مقررات حقوق بشر دوستانه، تعارض نظامهای کیفری ملی، عدم اعتبار احکام بیگانه در کشورها، گسترش دامنه و قلمرو بزهدکاری، بروز جرائم سازمان یافته بین‌المللی، عدم امکان استرداد مجرمان در بسیاری موارد و مخصوصاً ارتکاب جرائمی که به کل جامعه بین‌المللی و نظم عمومی جهانی لطمه می‌زند و معمولاً با مصونیت غیرقابل توجیه مرتکبان آنها همراه بوده و نباید بدون مجازات بماند، و جرائمی که صلح، امنیت و رفاه جهان را تهدید می‌کند،<sup>۶</sup> زمینه‌های کافی برای جهانی شدن حقوق کیفری را فراهم نموده و موجب تأثیرات متقابل میان حقوق داخلی و بین‌المللی گشته است؛ چنانکه از یکسو دادگاههای ملی در ایجاد رویه قضایی برای دادگاههای بین‌المللی مؤثرند و یک نوع «حقوق تطبیقی کیفری بین‌الملل» اجتناب‌ناپذیر شده، از سوی دیگر دادگاههای داخلی البته ناگزیرند به معاهدات و موازین بین‌الملل نظر داشته و در موارد لزوم به آنها استناد کنند و حتا این معاهدات را «تفسیر قضایی» نمایند. در این روند حقوق بین‌الملل نیز به هماهنگ‌سازی قوانین کیفری می‌انجامد<sup>۷</sup> زیرا این حقوق، گاه تعهداتی تقنینی نیز بر دولتها تحمیل می‌نماید.

ایجاد حقوق کیفری فراملی در ترتیبات منطقه‌ای بویژه در اروپا به صورت جدی پیگیری شده است. با پیدایش جامعه اروپا، حرکت به سوی یک حقوق کیفری اروپایی جدی تر شد و به موازات تدوین قواعد اقتصادی

تحويل به هر عنوانی که باشد، دلالی، ارسال، صدور به طور ترانزیت حمل و نقل، وارد کردن و صادر کردن مواد مخدر و... جرم شناخته و مرتکبان را مجازات نمایند؛ البته این موضوع موکول به رعایت قانون اساسی آن کشور است. در قسمت اول بند ۲-ب این ماده نیز تلاش شده است نوعی قانون سازی برای قرار دادهای استرداد انجام شود؛ بدین ترتیب که طرفین معاهده متعهد شده‌اند چنین جرائمی را در هر معاهده استرداد مجرمانی که میان آنان منعقد خواهد شد بعنوان جرائم قابل استرداد محسوب نمایند. (پروتکل اصلاحی ۱۹۷۲) در بند ۴ نیز به صراحت اعمال مقررات این ماده درباره صلاحیت «به قوانین کیفری هر یک از طرفهای معاهده» محدود شده است.

۲. معاهده دیگر در این زمینه «کنوانسیون مبارزه با مواد روانگردان» است که در سال ۱۹۷۱ به تصویب رسیده است. ماده ۲۲ این معاهده نیز به «مقررات کیفری» پرداخته است و البته جرم انگاری و مجازات متخلفان را به رعایت قانون اساسی هر کشور موکول کرده است. این گونه محول کردن رعایت حقوق بین الملل کیفری به قوانین داخلی، نشانه تمایل کشورها به استراتژی «هماهنگ سازی» است که گاه به این صراحت اعلام می شود.

۳. در مقدمه «کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روانگردان» (۱۹۸۸) نیز تأکید شده است «قاچاق مواد مخدر جرمی بین المللی است که ریشه کن کردن آن مستلزم توجه فوری و از اولویت درجه یک برخوردار می باشد.» ماده ۳ این معاهده نیز به «جرائم و مجازات آنها» پرداخته است؛ حتماً بند ۵- این ماده «کیفیات مشدده» را نیز لحاظ کرده است. ماده ۴ نیز به بیان صلاحیت قضایی کشورهای عضو کنوانسیون در رسیدگی به جرائم پرداخته است و البته طبق بند ۳ این ماده «کنوانسیون حاضر مانع اجرای هر گونه صلاحیت جزایی در چارچوب حقوق داخلی هر یک از اعضا نخواهد بود.» استرداد مجرمان، معاضدت قضایی و همکاریهای بین المللی نیز در این کنوانسیون مورد توجه قرار گرفته است.

۴. «کنوانسیون ملل متحد علیه جنایات سازمان یافته

حقوق داخلی کشورها وارد کرده و دول عضو این معاهدات می پذیرند این قواعد را در نظام حقوقی داخلی خود در نظر گیرند. در بسیاری از موارد، کنوانسیونهای کیفری موضوعاتی را جرم دانسته است که شاید تا پیش از آن در برخی نظامهای کیفری در حقوق موضوعه جایی نداشته و کشورها لا جرم اصلاحات و الحاقاتی بر حقوق کیفری داخلی خود وارد آورده‌اند.

### ۳- حقوق کیفری بین المللی شده و فساد مالی

امروز جرائم بدون مرز، رفاه، توسعه، صلح، امنیت و ارزشهای مشترک بشری را تهدید می کنند. یکی از این ارزشها که نقش مهمی در تأمین سعادت انسان دارد، عدالت اقتصادی و اجتماعی است. در دنیایی که برخی افراد بتوانند به پشتوانه درآمدهای غیرقانونی، به ثروتی دست یابند و دیگران را از حق طبیعی شان در فعالیت اقتصادی سالم و ثروتمند شدن بازدارند، عدالت، رفاه، توسعه و حتماً صلح و امنیت وجود نخواهد داشت. به همین منظور معاهدات بین المللی نسبتاً زیادی میان کشورها منعقد شده است که با قاچاق، جرائم سازمان یافته، فساد و ارتشاء و پولشویی و بطور کلی جرائم اقتصادی در ارتباط است و از این طریق دولتها می توانند ساختارهای حقوقی و عملی مناسبی برای همکاریهای بین المللی علیه فساد اقتصادی و درآمدهای غیرقانونی ایجاد نمایند که در این یادداشت، نگاهی گذرا بر برخی از این معاهدات خواهیم داشت.

از سوی دیگر، این معاهدات به یکسان سازی حقوق کیفری کشورها در زمینه جرائم مربوط نیز منجر می شود و از این طریق راه بر سوء استفاده از تفاوتهای حقوقی بسته خواهد شد. در نتیجه امضا و تصویب هر یک از این معاهدات، این تعهد را برای دولتها در پی خواهد داشت که با جرم انگاری جرائم، مجرمان را تعقیب و مجازات نمایند.

۱. معاهده واحد مواد مخدر در سال ۱۹۶۱ در نیویورک تصویب شد. مطابق ماده ۳۶ این کنوانسیون، کشورهای عضو باید اقدامات خلاف معاهده را مانند کشت، تولید، ساخت، استخراج، ترکیب، نگاهداری، عرضه، به فروش گذاشتن، پخش، خرید، فروش،

رسید که نگاهی جهانی و کاملتر نسبت به موضوع «ارتشا و فساد مالی» دارد. این کنوانسیون «با اعتقاد به این که فساد، دیگر يك موضوع داخلی نیست بلکه پدیده‌ای فراملی است که بر تمامی جوامع و اقتصادها تأثیر می‌گذارد و همکاری بین‌المللی را جهت جلوگیری و کنترل آن با اهمیت می‌نماید» و «پیشگیری و ریشه‌کنی فساد مسئولیت تمامی کشورها است» تصویب شد. فساد مالی از این لحاظ که «میلیونها انسان را در دام فقر گرفتار می‌کند» و از آن جهت که گسترش فقر در جهان، خود تهدیدی برای حقوق بشر، صلح و امنیت جهانی است و فساد مالی به محرومیت افراد زیادی از ثروت مشروع، رفاه و آسایش منجر می‌شود؛ مورد توجه قرار گرفته است.

در موارد زیادی کنوانسیون ۲۰۰۳ موضوعاتی را جرم شناخته و کشورهای عضو متعهد شده‌اند این اقدامات را در قوانین داخلی خود جرم‌انگاری و مرتکبان را مجازات نمایند. حیف و میل، اختلاس و استفاده غیرمجاز از اموال توسط مقامهای دولتی (ماده ۱۷)، دلالی نفوذ (ماده ۱۸)، سوءاستفاده از وظایف (ماده ۱۹)، دارا شدن من‌غیر حق (ماده ۲۰)، ارتشا در بخش خصوصی (ماده ۲۱)، اختلاس اموال در بخش خصوصی (ماده ۲۲)، تطهیر عواید ناشی از جرم (ماده ۲۳)، اختفای مجرمان (ماده ۲۴)، ممانعت از اجرای عدالت (ماده ۲۵) و مسئولیت اشخاص حقوقی (ماده ۲۶) از جمله مواردی است که در این کنوانسیون لحاظ شده است. بند يك ماده ۲۹ مقرر داشته است «کشور عضو ارتکاب جرم احراز شده طبق این کنوانسیون را منوط به مجازات‌هایی خواهد نمود که سنگینی جرم را مدنظر قرار دهد.» و طبق بند ۲ این ماده خواستار توازن میان مصونیتها و مزایای قضایی مقامات دولتی (در کشورهایی که چنین مصونیتی وجود دارد) و رسیدگی به این جرائم است. مطابق بند ۷ این ماده ممکن است ارتکاب این جرائم به عدم صلاحیت افراد برای تصدی سمتهای دولتی یا سمتی در مؤسسه‌ای که دولت مالک تمام یا بخشی از آن باشد؛ بینجامد. ماده ۳۶ نیز ایجاد نهادهای تخصصی مبارزه با فساد در داخل کشورها را مورد توجه قرار داده و همکاری بین مراجع مجری قانون

فراملی»<sup>۱۲</sup> با تلاشهای «دفتر مواد مخدر و جرائم سازمان ملل»<sup>۱۳</sup> در سپتامبر ۲۰۰۰ در شهر پالرمو ایتالیا توسط ۱۴۷ دولت امضا شد. طبق ماده ۵ این کنوانسیون، هر دولت عضو متعهد می‌شود اقدامات تقنینی لازم را برای جرم‌انگاری جرائم مذکور در کنوانسیون که به صورت بین‌المللی ارتکاب یافته باشند؛ انجام دهند. ماده ۶ دولتها را ملزم می‌کند بر اساس حقوق داخلی خود «پولشویی» را جرم بشناسند و ماده ۸ نیز به جرم‌انگاری ارتشا و فساد مالی پرداخته است و در مواد دیگر نیز متناوباً همکاریهای بین‌المللی برای توقیف اموال، استرداد، معاضدت قضایی، سابقه کیفری، پیگرد متهمان، حمایت از شهود و قربانیان و همکاری در اجرای احکام خارجی مورد توجه قرار گرفته است. این کنوانسیون که از ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۳ لازم‌الاجرا گردید همچنین يك «پروتکل مربوط به پیشگیری، توقیف و مجازات قاچاق انسان بویژه زنان و کودکان» دارد که هدف از آن حمایت و کمک به قربانیان قاچاق انسان با احترام به حقوق انسانی آنها و تشویق همکاری میان کشورها است، (ماده ۲) پروتکل دیگر این کنوانسیون مربوط به «مبارزه با قاچاق مهاجران از راههای زمینی، دریایی و هوایی» است.

۵. تاکنون معاهدات فراوانی درباره جرم ارتشا و فساد مالی به صورت منطقه‌ای امضا و تصویب شده است که از آن جمله می‌توان به «کنوانسیون مبارزه با فساد میان کشورهای امریکایی» (۱۹۹۶) در سازمان کشورهای امریکایی، «کنوانسیون مبارزه با فساد مقامهای جوامع اروپایی یا مقامهای کشورهای عضو اتحادیه اروپا» (۱۹۹۷)، «کنوانسیون مبارزه با رشوه خواری مقامهای دولتی خارجی در معاملات تجاری بین‌المللی» (۱۹۹۷) در سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، «کنوانسیون حقوق کیفری در مورد فساد» (۱۹۹۹) کار گروه وزیران شورای اروپا، «کنوانسیون حقوق مدنی در مورد فساد» (۱۹۹۹) همان شورا، و نیز «کنوانسیون اتحادیه افریقا در مورد جلوگیری و مبارزه با فساد» (۲۰۰۳) در اجلاس سران دولتها و کشورهای عضو اتحادیه افریقا اشاره نمود. در ۳۱ اکتبر ۲۰۰۳ نیز «کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد» به تصویب مجمع عمومی

این کنوانسیون و براساس اصول اساسی حقوق داخلی خود اتخاذ اقدامات اداری و قانونی مقتضی را مدنظر قرار می‌دهد تا شفافیت در تأمین مالی نامزدها را برای مشاغل منتخب دولتی و درجایی که صدق کند (شفافیت) تأمین مالی احزاب سیاسی را نیز ارتقا دهد.»

این کنوانسیون همچنین خواستار ایجاد ساختارهای پیشگیرانه است؛ بند ۱ ماده ۸ مقرر می‌دارد «هر کشور عضو به منظور مبارزه با فساد، طبق اصول اساسی نظام حقوقی خود یکپارچگی، صداقت و مسئولیت را در بین مقامات دولتی خود ارتقا خواهد داد» و طبق بند ۳ «هر کشور عضو طبق اصول اساسی حقوق داخلی خود برقراری اقدامات و نظام‌هایی را جهت تسهیل گزارش‌دهی فساد به مراجع مربوط توسط مقامات دولتی در موقعی که به چنین اعمالی در اجرای وظایف خود برخورد می‌نمایند مورد بررسی قرار خواهد داد.» بدین ترتیب همه اعضا و ارکان حکومت، مسئول مبارزه با فساد خواهند بود.<sup>۱۵</sup>

### ۴- وضعیت کنونی حقوق ایران

معاهده واحد مواد مخدر در سال ۵۱، معاهده مبارزه با مواد روانگردان در سال ۷۷ و معاهده مبارزه با قاچاق مواد مخدر و روانگردان در سال ۷۰ توسط ایران تصویب شده است. قانون مبارزه با مواد مخدر نیز در این راستا در سال ۶۷ تصویب گردیده بود. کنوانسیون مبارزه با جنایات سازمان یافته فراملی نیز در قوه مجریه تحت بررسی است و حتی «قانون مبارزه با قاچاق انسان» در ۸۳/۴/۲۸ در مجلس تصویب شده؛ «لایحه مبارزه با جرم پولشویی» نیز ۸۱/۶/۲۷ به تصویب دولت رسیده و به مجلس تقدیم شده است. کنوانسیون مبارزه با فساد نیز پس از آنکه مرکز پژوهش‌های مجلس، «ارزیابی مثبت» خود از آن را اعلام نمود، ۸۵/۱/۲۰ در مجلس تصویب و پس از ایرادات شورای نگهبان به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال گردید که تصویب نهایی آن با اصلاح و تصویب قوانین مربوط در کنار همکاری‌های بین‌المللی می‌تواند ساختار حقوقی نسبتاً مناسبی برای مبارزه با فساد در کشور ایجاد نماید. تصویب کنوانسیون، تعهداتی در جرم‌انگاری‌های جدید

و مراجع ملی، و مراجع ملی با بخش خصوصی در مواد ۳۷ تا ۳۹ پیش‌بینی شده و در ماده ۴۱ نیز تبادل اطلاعات مربوط به سابقه کیفری متهمان مورد تأکید است. فصل چهارم کنوانسیون نیز به همکاری‌های بین‌المللی (استرداد، انتقال محکومان، معاضدت قضایی، انتقال سابق کیفری، اجرای قانون و حتی تحقیقات مشترک) اختصاص یافته است. بدین ترتیب دولتهای عضو تعهدات جدیدی را برای اصلاح و تنظیم حقوق کیفری داخلی خود بر مبنای این کنوانسیون پذیرفته‌اند. در غالب موارد، رعایت این کنوانسیون نیز به رعایت حقوق داخلی منوط شده است.

در گزارش ۲۰۰۶ سازمان «شفافیت بین‌الملل»<sup>۱۴</sup> ایران از نظر رتبه مبارزه با فساد در رده ۱۰۶ قرار گرفت که نشان‌دهنده فسادپذیری ساختار اقتصادی ایران است. تصویب نهایی کنوانسیون مبارزه با فساد، همکاری‌های بین‌المللی برای مبارزه با مجرمان را تسهیل می‌کند. بویژه آنکه این کنوانسیون چندجانبه از محدود معاهداتی است که «مانند کنوانسیون بین‌المللی سرکوب تروریسم هسته‌ای» (۲۰۰۵) اعمال استرداد در جرائم موضوع آن نیازی به موافقت‌نامه‌های جداگانه ندارد. طبق ماده ۴۴ «چنانچه شخصی که موضوع استرداد است در قلمرو کشور عضو درخواست شونده باشد، به شرط آنکه جرمی که استرداد به خاطر آن درخواست شده طبق قانون داخلی هر دو کشور عضو (درخواست‌کننده و درخواست‌شونده) قابل مجازات باشد، این ماده در رابطه با جرائم احراز شده براساس این کنوانسیون بکار خواهد رفت.» بدین ترتیب نیازی به موافقت‌نامه‌های جداگانه دو یا چند جانبه استرداد نیز نخواهد بود. اما همانگونه که ملاحظه می‌شود، شرط نخست برای استفاده از مزایای این کنوانسیون هماهنگ نمودن حقوق کیفری داخلی با آن و نیز عضویت در کنوانسیون است. بنابراین تصویب نهایی کنوانسیون و اصلاح مقررات داخلی بر مبنای تجربیات حاصل از تلاش‌های بین‌المللی برای مبارزه با فساد، ضروریست. همچنین اجرای کامل این کنوانسیون می‌تواند سلامت سیاسی کشور را نیز به نحو مطلوب تری تضمین نماید، زیرا طبق بند ۳ ماده ۷ «هر کشور عضو مطابق با اهداف

## پی‌نوشتها:

۱. ابودله، دولت و جهانی شدن حقوق، ترجمه ابراهیم بیگزاده، نشریه دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی ش ۲۶. (۱۳۷۸)
۲. ن. ک: حسین صفایی، حقوق ایالات متحده آمریکا.
3. Organization for Economic Cooperation and Development (OECD)
۴. ابودله، پیشین، همانجا. همچنین نك: U.S. antibribery law goes global: <<http://www.abanet.org/buslaw/blt/8-6antibribery.html>> 2006-11-30
۵. میری دلماس مارتی، به دنبال حقوق جزای مشترک اروپایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله حقوقی ش ۲۱، (۱۳۷۶).
۶. در مقدمه اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری به این موارد به خوبی اشاره شده است. نك: غلامرضا محمد نسل، مجموعه مقررات دیوان بین‌المللی کیفری، دادگستر، ۱۳۸۵.
7. Ward Ferdinandusse, **The interaction of national and international approaches in the repression of international crimes**, EJIL, 2004, Vol. 15, No. 5, p:1052.
۸. میری دلماس مارتی، پیشین، همانجا.
9. Recommendation of the committee of ministers to member states on protection of witnesses and collaborators of justice (2005).
۱۰. برای دیدن متن کنوانسیونهای منطقه‌ای حقوق بشر، نك: اردشیر امیر ارجمند، مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر، ج ۲، جنگل، ۱۳۸۵.
۱۱. نك: تقویت همکاریهای بین‌المللی در زمینه حقوق بشر، زیر نظر جمشید ممتاز، دانشگاه تهران، ۱۳۸۲، صص ۴۷-۵۰.
12. <<http://www.unodc.org/adhoc/palermo/convmin>> 2006-11-04
13. <<http://www.unodc.org/unodc/index.html>> 2006-11-04
14. international Transparency
۱۵. «ضرورت همکاری بین‌المللی علیه فساد»، امیر مقامی، اعتماد ملی (۱۳۸۶/۱/۲۵) ص ۹، همچنین در: <http://maghami.blogfa.com/post-52.aspx>
۱۶. علی اصغر شفیعی خورشیدی، «مجموعه قوانین و مقررات جرایم اقتصادی»، مردم سالاری، ۱۳۸۶.

برای دولت ایجاد می‌کند. با وجود این برخی عناوین مجرمانه مندرج در کنوانسیون و نیز مقررات بازدارنده کیفری برای مبارزه با فساد مالی، قبلاً در قوانین ایران وجود داشته است<sup>۱۶</sup> که از آن جمله می‌توان به «قانون مجازات اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی» مصوب ۳۵۰/۹/۲۹، «قانون مجازات تبانی در معاملات دولتی» مصوب ۱۳۴۸/۳/۱۹، «قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری» مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام، «قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی» مصوب ۱۳۷۲/۴/۲۷ و نیز برخی مواد «قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران» مصوب ۱۳۸۴/۹/۱ (به خصوص ماده ۴۶ این قانون) و قانون مجازات اسلامی (بویژه مواد ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۳، ۶۰۵ و ۶۰۶ آن قانون) اشاره نمود. بعلاوه لایحه ابلاغ سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی نیز که با تصمیم مجلس، پس از ایرادات شورای نگهبان به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال شده است مقررات کیفری جدیدی در راستای رقابت‌پذیری اقتصاد ایران پیش‌بینی نموده است و بدیهی است نقض اصول رقابتی اقتصاد، از اولین آفتهای فساد اقتصادی است.

## نتیجه

اینک تردیدی وجود ندارد که می‌توان از يك حقوق کیفری جهانی بر مبنای معاهدات بین‌المللی برای مبارزه با جرائم اقتصادی سخن گفت، به شرط آنکه مفاد این معاهدات - که معمولاً منوط به حقوق داخلی شده‌اند - رعایت و قوانین مربوط در هر کشور تصویب گردد. حقوق ایران، در این زمینه هنوز در مورد دو معاهده مهم درباره جرائم سازمان یافته و مبارزه با فساد منتظر تصویب نهایی آنها است که می‌تواند گامی به پیش در مبارزه با جرائم اقتصادی باشد. همچنین لازم است قوانین داخلی مورد نیاز جهت انطباق با کنوانسیونهای مزبور و بهره‌مندی از همکاری بین‌المللی، تدوین و تصویب گردد.